



**حسن پورشیرازی  
در جشنواره ترانسیلوانیا**

حسن پورشیرازی جایزه بهترین بازیگر را برای فیلم «پیر پسر» از جشنواره ترانسیلوانیا دریافت کرد. مهر ضمن اعلام این خبر نوشت، شنبه دوم تیرماه حسن پورشیرازی در اختتامیه جشنواره فیلم ترانسیلوانیا در کشور رومانی، موفق شد جایزه بهترین بازیگر را برای بازی در فیلم «پیر پسر» ساخته‌ی اکتای براهنی از آن خود کند. این فیلم همچنین توانست در این فستیوال که دومین حضور بین‌المللی آن محسوب می‌شد، عنوان بهترین اجرا و پرفورمنس را در بخش مسابقه اصلی دریافت کند. فیلم «پیر پسر» با تهیه‌کنندگی بابک حمیدیان و حنیف سرسوری، پیش‌تر در اولین حضور بین‌المللی خود نیز در فستیوال فیلم روتردام هلند جایزه بهترین فیلم بخش پرده بزرگ را دریافت کرده بود. پیش بین‌الملل این فیلم برعهده کمپانی پخش هفت چشمه با مدیریت میلاد خسروی است. در این فیلم علاوه بر پورشیرازی، حامد بهداد، لیلا حاتمی و محمدولی زادگان نیز ایفای نقش کرده‌اند.



**محکومیت دزد اثر بنکسی**

دادگاه قضایی پاریس، مردی را به جرم سرقت اثری از هنرمند مشهور و ناشناس خیابانی بنام بنکسی را در روز چهارشنبه ۱۹ ژوئن، به حبس تعلیقی و پرداخت ۳۰ هزار یورو محکوم کرد. متهم، هنرمند و نوازنده‌ای ۳۸ ساله بنام مجدی آر است. مجدی آر ادعا کرده که از دوستان بنکسی بوده و بنا بر درخواست او نقاشی را در دیده است تا دیگران نتوانند از آن سود ببرند و یاکاری نظام سرمایه‌داری را که تعیین می‌کند چه کاری ارزش دارد و کدام یک ندارد محکوم کند؛ ادعایی که نتوانست اثبات کند. اثر بنکسی، یک موشی کاتر به‌دست است که روی بیلبردی در نزدیک مرکز ملی هنر و فرهنگ ژرژ پمپیدو در پاریس قرار داشت و در سپتامبر ۲۰۱۹ با سنگ فرزند شده بود. این نخستین باری نیست که اثری از بنکسی به سرقت می‌رود. در سال ۲۰۲۲ نیز هشت مرد به جرمی مشابه محکوم و مجازات شدند.



**اکران فیلم جدید رابرت زمیکس در پاییز**

سونی پیکچرز تاریخ اکران فیلم «اینجا»، اثر رابرت زمیکس را پاییز امسال اعلام کرده‌است. بازیگران اصلی این فیلم تام هنکس و رابین رایت، بازیگران فیلم فارست گامپ هستند. اینجا فیلمی درباره‌ی خانواده‌های متعدد و مکان خاصی است که در آن زندگی می‌کنند. داستان در طول نسل‌ها سفر می‌کند و تجربه انسانی را در نابترین شکل خود به تصویر می‌کشد. تام هنکس و رابین رایت در داستانی با موضوع عشق، ازدست‌دادن، خنده و زندگی به کارگردانی رابرت زمیکس، نویسنده‌ی اریک راث و زمیکس و به سبک رمان ریچارد مک گوایر که براساس آن ساخته شده است، نقش‌آفرینی می‌کنند. تهیه‌کنندگی این فیلم برعهده زمیکس، جک راپک، درک هوگ و بیل بلاک است. همچنین علاوه بر هنکس و رایت، پیل بتانی، کلی ریلی و میشل داگری نیز در این فیلم ایفای نقش می‌کنند. رابرت زمیکس، کارگردان، فیلمنامه‌نویس و تهیه‌کننده آمریکایی برنده جایزه‌ی اسکار است.

**روشنفکران  
و انتخابات**



**دشواری‌های مداخله روشنفکرانه**

دوایده سیاست پسا حقیقت و تنزه طلبی سیاسی مانع کنش روشنفکران شده‌اند



**محمد مهدی مجاهدی**  
عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سیاست پسا حقیقت شیوه‌ای از سیاست است که در دهه‌های اخیر به‌مرور در جهان رواج پیدا کرده است. در این شیوه سیاست‌ورزی مسئله حقیقت منتفی است. این بدین معنا نیست که دروغ‌گویی شایع بشود اما در این شیوه مسئله راست و دروغ منتفی می‌شود و معیارهای تشخیص راست از دروغ مبهم می‌شوند و از کار می‌افتند. در این وضعیت مهم نیست چه کسی راست می‌گوید و چه کسی دروغ. آن چیزی که به‌جای راست و دروغ می‌نشیند انواع و اقسام ترفندهایی است که برای انگیزش روانی به‌کار می‌آید و هر چه کارتر، ارزشمندتر، انواع سیاست‌ها، تاکامی‌ها و تاکارایی‌هایی را به بار

آورده‌اند و بر هم انباشته‌اند که روان عموم مردم را به‌شدت خسته و آزرده کرده است. این البته مختص جامعه‌ای خاص نیست و وضعیتی جهانی و جهانی‌شونده رو به گسترش است. انباشت این تاکامی‌ها انواع زمینه‌ها را آماده کرده است که عواطف و احساسات منفی آدم‌ها آماده برانگیختگی باشد. در سیاست پسا حقیقت از فنون برانگیختن عواطف منفی بهره می‌گیرند تا اراده مردم را جهت بدهند و در ازای رأی که از مردم می‌خرند نوعی تخلیه روانی از بار سنگین مسئولیت‌پذیری را ممکن سازند. در واقع چیزی که در سیاست پسا حقیقت به مردم فروخته می‌شود این است که شما می‌توانید احساس مسئولیت سیاسی و مدنی و عذاب وجدان در ازای تاکامی‌ها، کاتهای‌ها و کاستی‌ها نداشتن باشید و این آرامش همراه مکتبی است که به مردم این احساس را می‌دهد که آنها به سمت نوعی قله‌های افتخار، عظمت و شکوه در حال حرکت هستند و همه اینها با بهایی اندک و آن هم برانگیخته‌شدن رأی مردم دست به گریبان هستند، خوب یا بد، در همه جوامع از جمله ایران

روشنفکران در این میانه کجا ایستاده‌اند؟ به نظر می‌رسد مسئله حقیقت برای روشنفکران تبدیل به مسئله مهم و دشواری شده است. آنچه روشنفکران متقدم را از روشنفکران زمانه ما جدا می‌کند این است که روشنفکران متقدم دغدغه حقیقت داشتند. مهمترین دغدغه آنها هابی جامعه از گرفتاری‌هایش از راه پرآکندن، اشاعه و ترویج حقیقت بود. آنها وظیفه خود می‌دانستند که آگاهی و دانش را بپراکنند و معتقد بودند، از این طریق مردم به‌سرور از دردها و رنج‌هایشان نجات پیدا خواهند کرد. چنین مکانیسم خودکاری را مفروض می‌گرفتند و کار خود را گفتن حقیقت در گوش قدرت یا رویه‌روی قدرت می‌دانستند. نزد روشنفکران عصر پسا حقیقت اما که بسیاری از آنها با آموزه‌های پسا مدرن خو گرفته‌اند، ایده حقیقت رنگ باخته است. نزد آنها حقیقت یا نسبی است یا دست‌نیافتنی، اگر اصلاً چیزی به این نام وجود داشته باشد. چنین روشنفکرانی که با بحران مداخله، اثرگذاری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سیاسی دست به گریبان هستند، خوب یا بد، در همه جوامع از جمله ایران

**گفت‌وگو با محمدرضا جوادی یگانه درباره نحوه مواجهه روشنفکران ایرانی با انتخابات ۱۴۰۳**

**فشار فالوئرهای روشنفکران را محتاط کرده‌است**



به نظر می‌رسد نسبت به ادوار پیشین انتخابات،

در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ روشنفکران کمتر به ابراز نظر، چه سلبی و چه ایجابی پرداخته‌اند. با این ارزیابی موافق هستید؟ اگر آری، چه علل و دلایلی را در این امر دخیل می‌دانید؟  
روشنفکران از نویسندگان، متفکران و اساتید دانشگاه متمایز هستند و آن دسته‌ای از اصحاب علم و فرهنگ را که در عرصه عمومی حضور دارند، می‌توان روشنفکر نامید. وضعیت فعلی فقط این نیست که مشارکت سیاسی روشنفکران کم شده است. مسئله این است که اصولاً در کل جامعه امکان رأی دادن کم شده است. اگر مشارکت سیاسی را با رأی دادن یکی بگیریم بلکه سکوت در برابر انتخابات یا عدم مشارکت را هم کنشی سیاسی در نظر داشته باشیم، می‌توان خود این سکوت را تحلیل کرد. در هر حال جامعه ایران بعد از ۱۳۹۶ تغییرات عمده‌ای را پشت سر گذاشت. در آن سال مشارکت عمده روشنفکران و سلبریتی‌ها را در انتخابات شاهد بودیم. بعد از آن، وقایع اعتراضی سال‌های ۱۳۹۶، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۸ رخ داد و باعث شد که نوعی بازاندیشی درباره امکان تحقق اهداف از طریق انتخابات یا مشارکت در سیستم سیاسی اتفاق

بیفتد. از آنجایی که پاسخ روشنی در این بازاندیشی به دست نیامده است یا پاسخ بسیار متفاوت و متناقض هستند، برخی امروز از شرکت و حضور در انتخابات صحبت می‌کنند و برخی دیگر ساکت هستند. دسته‌ای نیز به‌صراحت می‌گویند رأی نمی‌دهند. منظوم این است که فضای سیاسی مبهم است و به همین دلیل فضای روشنفکری هم نسبت به انتخابات ابهام دارد.

یکی از تصاویری که از روشنفکران در جوامعی چون جامعه ما وجود داشته است، بر نقش پیشرویی این گروه در تحولات سیاسی و اجتماعی انگشت تأکید می‌گذارد و در انتخابات پیشین هم حضور و ابراز نظر روشنفکران یا حمایت آنها از نامزدهای خاص، بازتابی جدی در جامعه نخبگان ایران داشت. در این فرآیند روشنفکران مرجعیتی داشتند و گویی به جامعه خط می‌دادند. اینک اما برخی معتقدند یکی از علل سکوت روشنفکران در برهه کنونی برای همراهی با اقبشار ناراضی جامعه است. با این تحلیل موافقت می‌کنید؟

برخی افراد هستند که فضای سیاسی را تحلیل می‌کنند، درباره وضعیت موجود نظریاتی دارند و برای نمونه درباره مناظره‌های انتخاباتی سخنانی می‌گویند. این‌ها البته عده معدودی نیز هستند و لزوماً به‌عنوان سلبریتی فکری یا روشنفکر شناخته نمی‌شوند. به‌نظرم غیر از نظریه‌پردازان که در پی تحلیل و تبیین وضع موجود هستند، برخی از کسانی که در فضای عمومی حضور دارند، بیشتر ترجمان و واسطه میان اندیشه‌ها و مخاطبان‌شان هستند. این گروه مخاطبان زیادی هم دارند و بیشتر نیز متأثر از جامعه هستند و موج جامعه آنها را همراه می‌کند. این گروه معطوف به مخاطبان‌شان عمل می‌کنند، لذا الان که مخاطبان آنها تمایل به رأی دادن ندارند، آنها نیز رأی نمی‌دهند. بنابراین فضایی که در جامعه روشنفکری ایران در حال شکل گرفتن است، مقداری متأثر از تمایلات مخاطبان است نه متأثر از نظرات روشنفکران. به این تعامل باید توجه کرد. بخشی از جامعه ایران قانع نشده است که رأی بدهد و به همین دلیل روشنفکران نیز در ابراز نظر احتیاط می‌کنند زیرا باید نظری خلاف آمد عادت و خلاف عرف